

**تحلیل گفتمان برنامه‌های پنجم و ششم توسعه پس از انقلاب اسلامی ایران در بخش رفاه اجتماعی
(از منظر تحلیل گفتمان لاکلاو و موف)^۱**

سیده سیما امیری^۲، طهمورث شیرینی^۳، رضاعلی محسنی^۴

تاریخ پذیرش مقاله: ۱۴۰۱/۰۵/۳۱

تاریخ دریافت مقاله: ۱۴۰۱/۰۴/۱۶

DOI: 10.30495/JISDS.2022.61863.11548

چکیده

دولت‌ها بنا به اقتضای زمانی، شرایط کشور و بنا بر گفتمان حزب خود، سعی در تدوین برنامه‌های پنجساله با رویکرد تحول آفرین و توسعه ای دارند. یکی از بخش‌های اساسی و کلیدی در برنامه‌های توسعه‌ای، بخش اجتماعی و خدمات رفاهی آن است که موجبات رشد و تعالی جامعه را فراهم می‌کند. توسعه اجتماعی با بهتر شدن کیفیت زندگی، تامین حقوق انسان‌ها، توجه به مشارکت شهروندی و نهادهای مدنی، عدالت و حمایت‌های اجتماعی و همچنین توجه به استعدادها و توانمندی‌های مردم میسر می‌گردد. در این پژوهش به بررسی بخش اجتماعی (خدمات و رفاه اجتماعی) برنامه پنجم و ششم توسعه با روش تحلیل گفتمان پرداخته شده است. روش تحلیل از طریق روش تحلیل گفتمان لاکلاو و موف صورت می‌گیرد. برنامه پنجم توسعه که مربوط به گفتمان اصولگرایی است بر نشانه‌های «عدالت اجتماعی»، «کاهش تصدی گری دولتی و رفاه اجتماعی فراگیر» تاکید دارد و برنامه ششم توسعه که مربوط به گفتمان اصلاح طلبی و اعتدال و توسعه است بر «حقوق شهروندی»، «سلامت همگانی»، «تاب‌آوری اجتماعی»، «اصلاح مالیاتی حوزه سلامت» و «نظام جامع آسیب‌های اجتماعی» استوار است.

واژگان کلیدی: برنامه پنجم و ششم توسعه، روش تحلیل گفتمان لاکلاو و موف، گفتمان عدالت اصولگرایی، گفتمان اعتدال و توسعه اصلاح طلبی

^۱ این مقاله مستخرج از رساله دکتری با عنوان بررسی فضای گفتمانی موثر بر تحول ابعاد اجتماعی- فرهنگی برنامه‌های توسعه‌ای پس از انقلاب (برنامه‌های چهارم و پنجم توسعه) می‌باشد.

^۲ دانشجوی دکتری جامعه‌شناسی گرایش اقتصادی و توسعه، دانشکده علوم انسانی، دانشگاه آزاد اسلامی واحد تهران مرکز، تهران، ایران.
(Email: sima.amiri456@gmail.com)

^۳ دانشیار گروه جامعه‌شناسی، دانشکده علوم انسانی، دانشگاه آزاد اسلامی واحد تهران مرکزی، تهران، ایران.
(Email: shiri.tahmures@gmail.com)

^۴ دانشیار گروه جامعه‌شناسی، دانشکده علوم انسانی، دانشگاه آزاد اسلامی واحد تهران مرکزی، تهران، ایران.
(Email: reza.mohseni@iauctb.ac.ir)

مقدمه و بیان مساله

بعد از انقلاب اسلامی ایران، کشور درگیر جنگ نابرابر و تحمیلی گردید و در این بازه تمامی برنامه‌های توسعه کشور بصورت مقطعی و در راستای ساماندهی اوضاع کشور در شرایط بوجود آمده ناشی از جنگ تحمیلی بود، بعد از پایان جنگ کشور به دوره سازندگی گام نهاد و به پی ریزی و تدوین برنامه‌های توسعه اقدام نمود. هر برنامه توسعه در شرایط گفتمانی دولت زمان خود تهیه و تدوین گردید، بنابراین اولین برنامه توسعه کشور در سال ۱۳۶۸ در دولت سازندگی هاشمی رفسنجانی با گفتمان سازندگی تهیه و تدوین گردید، افق زمانی برنامه اول توسعه ۵ ساله و از سال ۱۳۶۸ تا ۱۳۷۲ تهیه شد؛ برنامه دوم توسعه نیز با گفتمان سازندگی در دولت هاشمی رفسنجانی در بازه زمانی (۱۳۷۴ تا ۱۳۷۸) تهیه شد؛ برنامه سوم توسعه در دولت خاتمی با گفتمان اصلاحات در بازه زمانی (۱۳۷۹ تا ۱۳۸۳) تهیه و تدوین شد؛ برنامه چهارم توسعه نیز در دولت اصلاحات در بازه زمانی (۱۳۸۴ تا ۱۳۸۸) تهیه شد؛ برنامه پنجم توسعه در دولت احمدی نژاد با گفتمان عدالت در بازه زمانی (۱۳۹۰ تا ۱۳۹۴) تهیه شد و برنامه ششم توسعه در دولت روحانی با گفتمان اعتدال و توسعه در بازه زمانی (۱۴۰۰-۱۳۹۶) تهیه و تدوین گردید. این برنامه در بخش‌های مختلف دارای اهداف کمی و کیفی مختص به خود هستند.

برنامه‌های توسعه پس از انقلاب، هر کدام در دوره زمانی مختص به خود و با توجه شرایط آن دوره تهیه و تدوین شده‌اند، به عبارتی دیگه آن شرایط موجب ایجاد فضایی شده است که اصطلاحاً تحت عنوان گفتمان یاد می‌شود که این گفتمان در تهیه و تدوین برنامه‌های توسعه موثر واقع شده است. در این پژوهش سعی می‌گردد دو برنامه توسعه اخیر (برنامه پنجم و ششم توسعه) که در دو گفتمان اصولگرایی و اصلاح طلبی تهیه و تدوین شدند، در بخش اجتماعی از منظر خدمات رفاهی- اجتماعی با روش تحلیل گفتمان لاکلاو و موف مورد تجزیه و تحلیل قرار گرفتند، نظریه گفتمان لاکلاو و موفه از مهمترین نظریه گفتمان در حوزه علوم سیاسی و اجتماعی از کارآیی بالایی برای تبیین چگونگی ظهور، استمرار و افول گفتمان‌ها و بررسی تعامل میان آنها برخوردار است و ابزارهای تحلیلی کارآمدی برای تحلیل پدیده‌های اجتماعی و سیاسی در سطح کلان در اختیار ما قرار می‌دهد. پرسش اصلی پژوهش این است که: توسعه اجتماعی از بعد خدمات رفاهی- اجتماعی در دو برنامه پنجم و ششم توسعه بر چه نوع گفتمانی استوار بوده و تفاوت این دو در چیست؟

در این پژوهش توسعه اجتماعی مدنظر است، در این خصوص با دو مفهوم اغلب سروکار خواهیم داشت: توسعه و توسعه اجتماعی، که در زیر به تعریف این دو مفهوم می‌پردازیم.

توسعه: عبارت است از رشد مداوم اقتصادی یک جامعه و بهبود وضعیت رفاهی افراد آن که ناشی از دگرگونی و تحول در بنیان‌های اقتصادی، اجتماعی، سیاسی، علمی و فرهنگی جامعه است (Hosseinzadeh, 2004:24).

توسعه اجتماعی: مفهومی است که به وجوه زیر اشاره دارد: بهتر شدن وضعیت و کیفیت زندگی همه انسان‌ها نسبت به وضع کنونی؛ تامین نیازهای اولیه انسان؛ تامین حقوق انسان‌ها و مسئولیت‌پذیری در برابر یکدیگر؛ توسعه نهادهای اجتماعی و بهبود ساختارهای این هاد و سازمان‌ها در جهت رفاه انسان‌ها؛ بهبود روابط میان انسان‌ها و محیط؛ تقویت و حمایت از استعدادها و توانمندی‌های انسان‌ها در جامعه و زندگی اجتماعی؛ گسترش و تعمیق مشارکت انسان‌ها در تعیین سرنوشت خود و جامعه با همکاری سازمان‌ها و نهادهایی که در جهت توسعه اجتماعی فعالیت می‌کنند (Sachs, 1998: 98).

روش تحلیل گفتمان

به لحاظ هستی‌شناسی، گفتمان‌ها به این مطلب اشاره دارند که حقایق ثابت بیرونی وجود ندارد و تنها از طریق گفتمان است که این حقایق بازنمایی می‌شود. در این بازنمایی، زبان، حقیقت را ایجاد می‌کند و تغییر می‌دهد. بنابراین، جهان اجتماعی محصول گفتمان‌ها است و حتی کنش انسان را نیز متناسب با این حقیقت تولید می‌کند. برای مثال، طغیان رودخانه و جاری شدن سیل،

حادثه‌ای است که مستقل از تفکر و ذهنیت مردم روی می‌دهد، اما زمان معنادهی به آن از سوی مردم، مصادف است با گفتمانی شدن آن، چرا که افراد بر اساس گفتمان‌های خود آن را به خشم خدا، سوء مدیریت دولتی، ال نینو، خرابی سیل‌بند و... تعبیر و تحلیل می‌کنند. این گفتمان‌ها آثار و پیامدهای خاص خود را به همراه دارند که از تقویت دینداری و ایمان به خدا گرفته تا انتقاد از دولت، دفاع از سیاست‌های زیست‌محیطی و ساختن سیل‌بند همه را در بر می‌گیرد. پس در این نظریه، واقعیت اجتماعی ساخته و معنادار می‌شود که آن از طریق زبان صورت می‌گیرد (Moghadami, 2011: 110).

در تبیین تعریف گفتمان باید به این امر اشاره کرد که تعریف واحدی از تعریف گفتمان وجود ندارد و پژوهشگران نسبت به حوزه فعالیت خود تعریفی از گفتمان را ارائه داده‌اند، بنابراین تعریف واحد گفتمان کار بسیار دشواری است. اما ما در این نوشتار تعریف یاورسکی و کاپلان به عنوان اساس و راهنمای کار قرار می‌گیرد که عبارت است از: فراتر رفتن از صورت‌های قابل رویت زبان و رسیدن به زمینه‌های اجتماعی و کشف رابطه متقابل میان زبان و فرایندهای اجتماعی (Fazeli, 2004: 85).

تحلیل گفتمان‌ها بر اساس زبان بیانی به سه گونه ساخت گرا، کارکردی یا نقش گرا و انتقادی تقسیم بندی می‌شوند:

۱. تحلیل گفتمان ساخت گرا: این گفتمان توسط زلیگ هریس در سال ۱۹۵۲ مطرح شد. در این نوع از تحلیل تنها به ساختار جمله فارغ از بافت و شرایط زمانی، مکانی و بیرونی متن اکتفا می‌شود.

۲. تحلیل گفتمان نقش گرا یا کارکردی: این نوع نگرش در دهه‌های ۶۰ و ۷۰ با وارد کردن مفهوم بافت در تحلیل گفتمان، واحد تحلیلی خود را فراتر از جمله قرار می‌دهد، اما دارای کاستی انحصار بافت به بافت حاضر در شرایط جمله است و از شرایط بالاتر و پنهان در ورای جمله غافل است. به عبارت دیگر، گفتمان نقش گرا بُرد و دامنه محدودی در تحلیل گفتمان دارد.

۳. تحلیل گفتمان انتقادی: با توجه به ضعف تحلیل گفتمان نقش گرا، فالور، هاج، کرس و ترو نوع سومی از تحلیل گفتمان مطرح کردند که بر نقش «ایدئولوژی» و «قدرت» به مثابه شرایط فرامتنی موثر بر تحلیل گفتمانی تاکید می‌ورزد. چنانچه فرکلاف^۱، تحلیل گفتمان انتقادی را توسعه یک چارچوب تحلیلی (تئوری و متد) برای مطالعه زبان در رابطه با قدرت و ایدئولوژی می‌داند (Rahimi & Amalsaleh, 2008: 118). این نگرش در دهه‌های ۸۰ و ۹۰ در قالب تحلیل گفتمان انتقادی جریان غالب رویکرد گفتمانی محسوب می‌شود. از این رو، می‌توان ون دایک، وداک، فرکلاف و فوکو را از بنیانگذاران تحلیل گفتمان انتقادی در حوزه زبان‌شناسی برشمرد (Moghadami, 2011: 99). بسیاری، مبنای تحلیل گفتمان انتقادی را در تئوری انتقادی مکتب فرانکفورت می‌دانند (Wodak, 2002: 12)، این رشته تحت تاثیر اندیشمندان اجتماعی نظیر گرامشی^۲، آلتوسر^۳، هابرماس^۴، فوکو^۵ و دیگران، قرار دارد (Koosha & Shams, 2005: 10). بنابراین تحلیل گفتمان انتقادی یک نوع تحلیل محتوی متدولوژیکی است که توسط پژوهشگران اجتماعی مورد استفاده قرار می‌گیرد و به بررسی تکرار موضوعی موارد مرتبط به نظریه انتقادی می‌پردازد (Fairclough, 2003: 11).

روش تحلیل گفتمان لاکلا و موف

روش تحلیل گفتمان لاکلا و موف روشی توصیفی تحلیلی و انتقادی (نئومارکسیستی) و متعلق به حوزه دیدگاه‌های پسامدرن و پساساختارگرایانه است که با وارد کردن مفاهیمی نظیر قدرت، سیاست و ایدئولوژی در تحلیل خود می‌تواند ظرفیت نقد تحلیل‌های خویش را ارتقاء بخشد. این دیدگاه، انتقادی بر گفتمان لیبرالیستی در اصلاح رویکرد مارکسیست سنتی برای برون رفت از بحران

¹ Normav Fairclough

² Gramsci

³ Althusser

⁴ Habermas

⁵ Foucault

دنیای چپ است که از طریق تاکید بر آزادی و برابری و تعمیق آن صورت می‌گیرد (Laclau and Mouffe in Martin, 2002: 88).

مفاهیم غالب در این روش:

۱. مفصل‌بندی^۱

مفصل‌بندی تلفیقی از عناصری که با قرار گرفتن در مجموعه جدید، هویتی تازه می‌یابند.

۲. دال و مدلول^۲

دال بیانگر اشخاص، مفاهیم، عبارات و نمادهایی انتزاعی یا حقیقی هست که در چارچوب‌های گفتمانی خاص بر معانی خاص دلالت می‌کند. معنا و مصداقی که یک دال بر آن دلالت می‌کند، مدلول نامیده می‌شود. برای مثال، تکثیر مطبوعات منتقد، دال و آزادی بیان مدلول آن است.

۳. دال مرکزی^۳

دالی است که سایر دال‌ها در اطراف آن جمع می‌شوند و نقطه ثقل همه دال‌ها و انسجام بخش آنها است (Laclau and Mouffe, 1985:112).

۴. دال شناور^۴

دالی است که مدلول‌های متعدد، شناور و غیرثابت دارد و گفتمان‌ها بر اساس نظام معنایی خود و متناسب با آن سعی دارند، مدلول خویش را به آن الحاق کنند و مدلول‌های دیگر (رقیب) را به حاشیه برانند.

۵. دال خالی^۵

از یک سو بازنمایی وضعیت مطلوبی است که گفتمان‌ها سعی در ارایه آن در بهترین وجه ممکن خویش دارند. از سوی دیگر، این وضعیت بیانگر قصور گفتمان حاکم در تامین آن است.

۶. عناصر، وقته‌ها یا لحظه‌ها^۶

دال‌هایی هستند که درون یک گفتمان و حول دال مرکزی به طور موقت و نسبی، تثبیت شده‌اند (Moghadami, 2011: 110).

۷. حوزه گفتمان گونگی^۷

دال‌هایی که در بیرون از محیط گفتمانی قرار دارند و می‌توانند به عنوان مواد خامی برای مفصل‌بندی‌های جدید به کار روند (Laclau and Mouffe, 1985: 111).

۸. انسداد و توقف^۸

وقتی که یک عنصر از حالت شناور خارج و به وقته یا لحظه تبدیل می‌شود، انسداد یا توقف که همان تثبیت معنای نشانه‌ها است رخ می‌دهد. این تثبیت تحت اراده هژمونیک به ثبات (موقت) گفتمان منجر می‌شود.

۹. زنجیره هم‌ارزی و تفاوت^۹

¹ Articulation

² Signifier & Signified

³ Nodal Point

⁴ Floating Signifier

⁵ Empty Signifier

⁶ Moment & Element

⁷ Field of Discursivity

⁸ Closure

⁹ Chain of Equivalenc and Difference

گفتمان‌ها از طریق زنجیره هم‌ارزی، تفاوت‌های موجود در میان عناصر را از بین می‌برند و به نوعی وحدت و انسجام میان آنها کمک می‌کنند. اما در واقع هیچ‌گاه هم‌ارزی نمی‌تواند به حذف کامل این تفاوت‌ها بینجامد. در مقابل، منطق تفاوت به خصلت تکثر در جامعه اشاره دارد و می‌کوشد از طریق تاکید بر تفاوت‌ها، زنجیره هم‌ارزی را درهم بریزد و نوع جدیدی از مفصل‌بندی ایجاد کند (De-Vos, 2003: 165).

۱۰. هژمونی^۱

اگر افکار عمومی معنایی را برای دال‌های یک گفتمان هرچند موقت بپذیرند؛ در آن صورت آن گفتمان هژمونیک می‌شود (Laclau and Mouffe, 1985 :7).

۱۲. ساختارشکنی یا واسازی^۲

برگرفته از دریدا و نقطه مقابل انسداد است و بر این امر تاکید دارد که برای از بین بردن هژمونی یک گفتمان باید ثبات معنایی آن را از بین برد تا زمینه تغییر وقته به دال شناور فراهم آید (Salarkasraei et al , 2009: 337).

گستره مفهومی و روش‌شناختی

روش پژوهش حاضر تحلیل گفتمان از نوع روش تحلیلی لاکلاو موفه است که بر متون برنامه پنجم و ششم توسعه پس از انقلاب در حوزه اجتماعی تمرکز دارد. نظریه لاکلاو و موف از کاربردی‌ترین نظریات در زمینه گفتمان است. آنچه تحلیل گفتمانی لاکلاو و موف را از سایر نظریه‌های گفتمانی متمایز می‌کند، تسری گفتمان از حوزه فرهنگ و فلسفه به جامعه و سیاست است (حسینی زاده، ۱۳۸۳). بنابراین این نظریه از قابلیت فوق‌العاده‌ای در تبیین پدیده‌های سیاسی و اجتماعی برخوردار است. این قابلیت در سایه به کارگیری مفاهیمی چون مفصل‌بندی به دست آمده است. مفصل‌بندی، کنشی است که میان عناصر مختلف مانند: مفاهیم، نمادها، رفتارها و ... رابطه‌ای ایجاد می‌کند که هویت اولیه آنها دگرگون شده، هویتی جدید بیابند (سالارکسرای و پوزش شیرازی، ۱۳۸۸). ابزار گردآوری داده‌های پژوهش، نوشتار پدید آورده شده در اسناد برنامه توسعه پنجم و ششم توسعه اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی جمهوری اسلامی ایران و پیام‌هایی که در بخش رفاه اجتماعی مورد تعامل قرار می‌گیرند، مورد توجه و دسته‌بندی و تفسیر و تحلیل قرار گرفته‌اند.

تحلیل یافته‌ها

در پژوهش حاضر متون برنامه‌های توسعه پنجم و ششم در بخش‌های خدمات اجتماعی بررسی می‌شود. برنامه پنجم توسعه در دولت اصولگرای محمود احمدی‌نژاد شکل گرفت و در زمینه‌های گوناگون از جمله اجتماعی با محوریت عدالت در حوزه «گفتمان اصولگرا» تهیه و تدوین گردید و برنامه ششم توسعه در دولت اصلاح‌طلب حسن روحانی و متأثر از محوریت اعتدال و توسعه در بخش‌های مختلف از جمله بخش اجتماعی در حوزه «گفتمان اصلاح‌طلب» تهیه و تدوین یافت.

برنامه پنجم توسعه تحت شرایط گفتمان اصولگرایی در سال ۹۴-۱۳۹۰ تدوین گردید. این برنامه در ۹ فصل و ۲۳۵ ماده تهیه شده است، مدنظر پژوهش حاضر فصل اجتماعی برنامه می‌باشد که این فصل شامل ۲۲ ماده و ۱۴ تبصره (مواد ۲۴ تا ۴۵) و دربرگیرنده بخش‌های سلامت، بیمه، حمایت و توانمندسازی، سرمایه اجتماعی و جوانان و خانواده و ایثارگران است که این عناوین در این پژوهش مورد توجه است. سیاست‌های اجتماعی با کنار هم قرار دادن دال‌های مختلف موجب شکل‌گیری گفتمان اجتماعی دولت اصولگرا می‌شود که می‌توان به صورت زیر توضیح داد:

^۱ hégémonie

^۲ Déconstruction

«کاهش تصدی‌گری دولتی و رفاه اجتماعی فراگیر» که در برنامه چهارم توسعه یک دال شناور بود و در مفصل‌بندی گفت‌وگو دولت اصولگرایی اول جایگاهی پیدا نکرده بود و در جایگاه گفت‌وگو گفتمان‌گویی قرار داشت، عبارتی در برنامه چهارم، خدمات اجتماعی ادامه سیاست‌های برنامه سوم توسعه بود، اما در گفت‌وگو اصولگرایی دوم، به دال مرکزی تبدیل شد و در مرکز مفصل‌بندی گفت‌وگو خدمات اجتماعی دولت جای گرفت. بنابراین کاهش تصدی‌گری دولتی و رفاه اجتماعی فراگیر را می‌توان بعنوان دال مرکزی در گفت‌وگو دولت اصولگرا دانست بطوریکه در تمامی مواد بخش‌های مختلف فصل اجتماعی برنامه بر اصلاح ساختار و گسترش خدمات اجتماعی تأکید شده است. در ماده ۲۴ فصل اجتماعی آمده است: «به منظور ارتقاء شاخص توسعه انسانی به سطح کشورهای با توسعه انسانی بالا و هماهنگی رشد پس از تصویب ارتقاء سطح شاخص توسعه انسانی شاخص‌های آموزش، بهداشت و اشتغال در کشور، سند راهبردی هیأت وزیران اجراء می‌شود» (Vice President for Strategic Planning and Supervision of the Islamic Republic of Iran, 2010: 18).

در فصل اجتماعی برنامه پنجم توسعه بر «کار شایسته» بعنوان دال اشاره شده است، ماده ۲۵ همین فصل آمده است که: «وزارت کار و امور اجتماعی مکلف است حداکثر تا پایان سال اول برنامه، سند ملی کار شایسته را حسب مصوبات سازمان بین‌المللی کار و حقوق کار و حقوق کارگران و کارفرمایان در جهت تثبیت حقوق بنیادین کار و برای بهبود روابط کارگر و کارفرما به شکل سه جانبه و با مشارکت تشکلهای کارگری و کارفرمایی تنظیم نماید» (The same source, 2010: 10).

در فصل اجتماعی برنامه پنجم توسعه بر «اصلاح ساختارهای خدماتی اجتماعی» به عنوان دال در راستای کاهش تصدی‌گری دولتی و رفاه اجتماعی فراگیر هستند اشاره شده است، در ماده ۲۶ همین فصل آمده است که: «به دولت اجازه داده می‌شود در راستای ایجاد ثبات، پایداری و تعادل بین منابع و مصارف صندوق‌های بازنشستگی نسبت به اصلاح ساختار این صندوق‌ها براساس اصول زیر اقدام قانونی را به عمل آورد»، در این ماده بر بندهایی همانند: کاهش وابستگی این صندوق‌ها به کمک از محل بودجه عمومی دولت، ممنوعیت انجام هرگونه فعالیت بنگاه داری جدید برای صندوق‌های دولتی، ممنوعیت هرگونه تعهد بیمه‌ای و بار مالی خارج از ارقام مقرر در جداول قوانین بودجه سنواتی در صندوق‌های دولتی، استفاده از روش‌های نوین در اداره و ارائه خدمات این صندوق‌ها و تجدیدنظر در ساختار بیمه‌های اجتماعی، سازمان تأمین اجتماعی و صندوق‌های تابعه به ویژه صندوق بازنشستگی کشوری و اصلاح ساختار و تجهیز سایر صندوق‌های وابسته به دستگاه‌های اجرائی تأکید شده است که همه این موارد در راستای اصلاح ساختار خدمات اجتماعی است (The same source, 2010: 12). همچنین در راستای اصلاح ساختار نظام تأمین اجتماعی در ماده ۲۷ آمده است که: دولت مجاز است نسبت به برقراری و استقرار نظام جامع تأمین اجتماعی چند لایه با لحاظ حداقل سه لایه: مساعدت‌های اجتماعی شامل خدمات حمایتی و توانمندسازی، بیمه‌های اجتماعی پایه شامل مستمری‌های پایه و بیمه‌های درمانی پایه، بیمه‌های مکمل بازنشستگی و درمان با رعایت یکپارچگی، انسجام ساختاری، همسویی و هماهنگی بین این لایه‌ها در کشور اقدام نماید». در راستای اصلاح ساختار و کاهش تصدی‌گری دولتی در بخش بیمه‌ای که در برنامه چهارم توسعه بعنوان دال شناور بود در این برنامه بصورت وقت‌مدنظر قرار گرفته است، در ماده ۲۸ آمده است که: «به منظور فراهم نمودن شرایط رقابتی و افزایش کارآمدی بیمه‌های اجتماعی و جلوگیری از ایجاد هرگونه انحصار یا امتیاز ویژه برای صندوق‌های بازنشستگی اعم از خصوصی، عمومی، تعاونی و یا دولتی اجازه داده می‌شود صندوق‌های بازنشستگی خصوصی با رعایت تضمین حقوق بیمه‌شدگان و بازنشستگان صندوق مربوطه حداقل به مدت ده سال براساس آئین‌نامه‌ای که به تصویب هیأت وزیران می‌رسد ایجاد گردد» (The same source, 2010: 21).

در این فصل از برنامه، دال «نظام جامع سلامت همگانی در راستای رفاه اجتماعی» مطرح شد، در بند ج ماده ۳۲ آمده است که: «سامانه خدمات جامع و همگانی سلامت مبتنی بر مراقبت‌های اولیه سلامت، محوریت پزشکی خانواده در نظام ارجاع، سطح‌بندی خدمات، خرید راهبردی خدمات، واگذاری امور تصدی‌گری با رعایت ماده (۱۳) قانون مدیریت خدمات کشوری و با تأکید بر

پرداخت مبتنی بر عملکرد، توسط وزارت بهداشت، درمان و آموزش پزشکی در سال اول برنامه و حین اجراء باز طراحی می‌شود و برنامه اجرائی آن با هماهنگی معاونت در شورای عالی سلامت و امنیت غذایی با اولویت بهره‌مندی مناطق کمتر توسعه یافته به ویژه روستاها، حاشیه شهرها و مناطق عشایری به تصویب می‌رسد. سامانه مصوب باید از سال دوم اجرای برنامه عملیاتی گردد» (The same sourc, 2010: 23). همچنین به منظور حمایت از «سلامت دانش‌محور» در جامعه در بند الف ماده ۳۴ آمده است که: «به منظور ایجاد و حفظ یکپارچگی در تأمین، توسعه و تخصیص عادلانه منابع عمومی سلامت، دولت از بخش‌های خصوصی و تعاونی برای ایجاد شهرک‌های دانش سلامت، حمایت به عمل آورد. آئین‌نامه اجرائی این بند طی سال اول برنامه تهیه و به تصویب هیأت وزیران می‌رسد» (The same sourc, 2010: 24). سامانه پرونده الکترونیکی سلامت ایرانیان که در برنامه چهارم توسعه بعنوان عنصر بود در این برنامه به وقته تبدیل شد و انسداد یافت، در ماده الف ۳۵ آمده است که: «وزارت بهداشت، درمان و آموزش پزشکی با هدف ارائه خدمات الکترونیکی سلامت نسبت به استقرار سامانه پرونده الکترونیکی سلامت ایرانیان و سامانه‌های اطلاعاتی مراکز سلامت در هماهنگی با پایگاه ملی مرکز آمار ایران، سازمان ثبت احوال با حفظ حریم خصوصی و محرمانه بودن داده‌ها و با اولویت شروع از برنامه پزشک خانواده و نظام ارجاع اقدام نماید». بیمه سلامت همگانی در این برنامه به وقته تبدیل شد و در مفصل‌بندی گسترش رفاه اجتماعی جای گرفت، بند الف ماده ۳۸ آمده است که: «دولت مکلف است سازوکارهای لازم برای بیمه همگانی و اجباری پایه سلامت را تا پایان سال اول برنامه تعیین و ابلاغ نموده و زمینه‌های لازم را در قالب بودجه‌های سنواتی برای تحت پوشش قرار دادن آحاد جامعه فراهم نماید» (The same sourc, 2010: 19).

دال «حمایتی و توانمندسازی» که در برنامه چهارم توسعه بعنوان دال مهم در نظر گرفته شده بود در این برنامه نیز مورد توجه قرار گرفت، مطابق بند الف ماده ۳۹ که آمده است: «به منظور توانمندسازی افراد و گروه‌های نیازمند به ویژه زنان سرپرست خانوار و معلولان نیازمند با تأکید بر برنامه‌های اجتماع محور و خانواده‌محور، با استفاده از منابع بودجه عمومی دولت و کمک‌های مردمی نظام سطح‌بندی خدمات حمایتی و توانمندسازی متناسب با شرایط بومی، منطقه‌ای و گروه‌های هدف حداکثر تا پایان سال اول برنامه و فراهم نمودن ظرفیت‌های لازم برای استقرار نظام مذکور در طول برنامه مستقر خواهد شد» (همان، ۱۳۸۹: ۳۱). در راستای حمایت از ایثارگران، در ماده ۴۴ آمده است که: «دولت به منظور استمرار، توسعه و ترویج فرهنگ ایثار و شهادت، در جهت حفظ کرامت ایثارگران با اولویت عرضه منابع مالی، فرصت‌ها، امکانات و تسهیلات و امتیازات به ایثارگران، پدر، مادر، همسر و فرزندان شهداء و همچنین جانبازان، آزادگان و افراد تحت تکفل آنان، اقدامات زیر را انجام می‌دهد: بهره‌برداری فرزندان شهداء از کلیه امتیازات و مزایای مقرر در قوانین و مقررات، تأمین صددرصد (۱۰۰٪) هزینه درمانی ایثارگران شاغل و افراد تحت تکفل آنان، کلیه دستگاه‌های اجرائی موظفند بیست درصد (۲۰٪) اعتبارات فرهنگی خود را در چهارچوب موافقتنامه مبادله شده با معاونت، صرف ترویج فرهنگ ایثار و شهادت نمایند، کاهش هزینه‌های مهندسی ساخت مسکن برای خانواده‌های شهداء و ایثارگران، بورس تحصیلی داخل و خارج کشور به جانبازان پنجاه درصد، اختصاص سهمیه استخدامی دستگاه‌های اجرائی به حداقل بیست و پنج درصد (۲۵٪) از میان فرزندان شهداء و فرزندان جانبازان پنجاه درصد (۵۰٪)، سهمیه جذب هیئت علمی دانشگاه‌ها، تأمین معیشت و پوشش بیمه‌ای خانواده‌های شهداء، جانبازان و رزمندگان، تهیه سند راهبردی خدمات‌رسانی به رزمندگان، بهره‌مندی از زمین و مسکن دولتی» (The same sourc, 2010: 26).

در فصل اجتماعی برنامه پنجم، «امور جوانان» به عنوان دال مهم در نظر گرفته شده است، در بند الف ماده ۴۱ آمده است که: «دستگاه‌های اجرائی و مؤسسات عمومی غیردولتی ذی‌ربط که از بودجه عمومی دولت استفاده می‌کنند بر اساس منشور تربیتی نسل جوان و سند ملی توسعه و ساماندهی امور جوانان مصوب دولت ضمن ایجاد برنامه ساماندهی امور جوانان ذیل بودجه سنواتی خود از طریق ستاد ملی و استانی ساماندهی امور جوانان اقدامات لازم را جهت اجرائی شدن این اسناد در طول سال‌های برنامه به عمل آورند» (The same sourc, 2010: 41).

برنامه ششم توسعه در دوره ریاست جمهوری حسن روحانی و در دولت اصلاح طلب تهیه و تدوین گردید. این برنامه پنج‌ساله (۱۴۰۰-۹۶) شامل ۲۰ بخش که به ۱۲۴ ماده و ۱۲۸ تبصره تقسیم‌بندی شده است می‌باشد. بخش‌ها شامل: بخش ۱ اقتصاد کلان، بخش ۲ بودجه و مالیه عمومی، بخش ۳ نظام پولی و بانکی و تأمین منابع مالی، بخش ۴ محیط کسب و کار، خصوصی سازی و مناطق آزاد، بخش ۵ توازن منطقه‌ای، توسعه روستایی و توانمندسازی اقشار آسیب‌پذیر، بخش ۶ نظام اداری، شفافیت و مبارزه با فساد، بخش ۷ کشاورزی و... است. در بخش‌های اجتماعی شامل: بخش ۱۴ سلامت، بیمه و زنان و خانواده، بخش ۱۵ بیمه اجتماعی، امور حمایتی و آسیب‌های اجتماعی، بخش ۱۶ امور ایثارگران است که در این مطالعه بدان پرداخته می‌شود و دال مرکزی، دال شناور، وقته، انسداد و دال خالی و... شناسایی می‌گردد.

حقوق شهروندی که در برنامه پنجم توسعه و در گفتمان اصولگرایی بعنوان دال شناور بود و از ورود به مفصل‌بندی باز مانده بود، در برنامه ششم توسعه و در گفتمان اصلاح طلب از دال شناور خارج شد و بصورت وقته و با تثبیت معنایی به انسداد و توقف انجامید و بعنوان دال مرکزی نظامات و خدمات اجتماعی در گفتمان دولت جای گرفت. عناصر مربوط حقوق شهروندی می‌تواند در این برنامه در موارد زیر جست: بیمه سلامت و اجتماعی؛ اصلاح نظام مالیاتی؛ اصلاح نظام سلامت؛ عدالت اجتماعی؛ توجه به آسیب‌های شهروندی؛ مشارکت شهروندی، تاب‌آوری اجتماعی و حمایت اجتماعی.

«بیمه سلامت همگانی» در برنامه پنجم توسعه دال شناور بود اما در گفتمان برنامه ششم به وقته و سپس با تثبیت معنایی انسداد یافت و از حالت صلبی خارج شد و بصورت فراگیر درآمد، در بند (الف) ماده ۷ آمده است که: «پوشش بیمه سلامت برای تمامی آحاد جمعیت کشور اجباری بوده و برخورداری از یارانه دولت جهت حق سرانه بیمه از طریق ارزیابی وسع و ضوابط ذیل و براساس آیین‌نامه‌ای خواهد بود که به تصویب هیأت وزیران می‌رسد. تبصره- این حق بیمه شامل سرپرست خانوار و کلیه افراد تحت تکفل آنان است». این پوشش بیمه‌ای اجباری حتی برای پناهندگان و افراد مقیم در کشور را نیز شامل شده است، به طوریکه در بند قسمت (الف) این ماده آمده است که: «پوشش بیمه سلامت برای افراد خارجی مقیم در کشور، از جمله پناهندگان گروهی مورد تأیید دفتر اتباع خارجی وزارت کشور، الزامی است. شیوه دریافت حق بیمه و برخورداری از یارانه دولت برای تأمین حق بیمه براساس آیین‌نامه‌ای خواهد بود که حداکثر ظرف سه ماه از زمان لازم‌الاجراء شدن این قانون به تصویب هیأت وزیران می‌رسد. حکم این جزء بر حکم ماده (۴) قانون احکام دائمی برنامه‌های توسعه کشور حاکم است» (Plan and Budget Organization of the Islamic Republic of Iran, 2017:14). «نظام خدمات جامع و همگانی سلامت» با «تثبیت بیمه سلامت همگانی و همچنین تثبیت سامانه الکترونیکی سلامت ایرانیان»، با تثبیت معنایی، انسداد یافت و در مفصل‌بندی گفتمان سلامت دولت اصلاح طلب جای گرفت. در راستای صیانت از حقوق شهروندی در حوزه سلامت، «تهدیدات حوزه سلامت» که در برنامه پنجم توسعه به عنوان دال خالی بود، در برنامه ششم توسعه تبدیل به وقته شد، به طوریکه در بند (ر) ماده ۷۴ آمده است که: «وزارت بهداشت، درمان و آموزش پزشکی با همکاری سازمان پدافند غیرعامل کشور در جهت مصون سازی و افزایش توان بازدارندگی کشور موظف است انواع تهدیدات حوزه سلامت را بررسی و اقدام لازم جهت خنثی‌سازی و مقابله با آن را مطابق قوانین مربوطه به انجام رساند». «اصلاح مالیاتی حوزه سلامت» با رویکرد تعیین مالیات بر مواد دخانی برای حمایت از بخش سلامت جامعه و تأمین حقوق آن، که در برنامه پنجم توسعه به عنوان دال خالی بود در برنامه ششم توسعه تبدیل به وقته شد، در ماده ۷۳ آمده است که: «از ابتدای اجرای قانون برنامه تولید و واردات انواع سیگار و محصولات دخانی علاوه بر مالیات و عوارض موضوع قانون مالیات‌های مستقیم مصوب ۱۳۶۶/۱۲/۳ و قانون مالیات بر ارزش افزوده مصوب مشمول مالیات‌های مشروحه است» (The same sour, 2010: 17).

در فصل اجتماعی برنامه ششم توسعه، دال «عدالت اجتماعی» در متون برنامه ششم توسعه تثبیت معنایی گرفته و انسداد یافت، در ماده ۷۸، آمده است که: «دولت مکلف است در راستای تحقق عدالت اجتماعی و حمایت از اقشار آسیب‌پذیر و بسط پوشش‌های امدادی، حمایتی و بیمه‌ای و پیشگیری و کاهش آسیب‌های اجتماعی نسبت به طراحی و اجرای برنامه‌های لازم برای نیل به اهداف

اقدام و گزارش پیشرفت کار را هر شش ماه یکبار به مجلس ارائه کند»، این اهداف در قالب اشتغال، مسکن، بیمه اجتماعی و سلامت، مستمري، توان بخشی و کنترل آسیب‌های اجتماعی در گروه‌های خانواده‌های تحت پوشش نهادهای حمایتی، معتادین، معلولین، کودکان کار و زنان بی سرپرست است (The same sourc, 2010: 7). «نظام تأمین اجتماعی چندلایه»، که در برنامه پنجم توسعه به عنوان وقفه مدنظر قرار گرفته بود در برنامه ششم توسعه با تثبیت معنایی انسداد یافت و در نظام مفصل‌بندی گفتمان برنامه جای گرفت، در ماده ۸۱ آمده است که: «دولت مکلف است در اجرای بند (۴۰) سیاست‌های کلی برنامه ششم، نسبت به تدوین برنامه، برقراری، استقرار و روزآمدسازی نظام جامع رفاه و تأمین اجتماعی چندلایه مشتمل بر حوزه امدادی، حمایتی و بیمه‌های اجتماعی به جز سلامت با رعایت سطح‌بندی خدمات در سطوح پایه، مازاد و مکمل براساس غربالگری اجتماعی و آزمون وسع و نیازمندیابی فعال و مبتنی بر سطح دستمزد و یا درآمد افراد و خانواده اقدام و پس از طی مراحل قانونی مطابق بودجه سنواتی به اجراء درآورد و به منظور ساماندهی منابع و مصارف مربوط به یارانه‌های اجتماعی، رفع همپوشانی‌ها، دسترسی عادلانه به خدمات، اجرای این نظام از طریق ایجاد پایگاه اطلاعات، سامانه و پنجره واحد خدمات رفاه و تأمین اجتماعی و مبتنی بر شکل‌گیری پرونده الکترونیک رفاه و تأمین اجتماعی با تبعیت از پرونده الکترونیک سلامت ایرانیان موضوع ماده (۸۴) این قانون برای تمامی آحاد جامعه صورت می‌پذیرد و کلیه سازمان‌ها، صندوق‌ها، نهادها و دستگاه‌های اجرایی فعال در حوزه رفاه و تأمین اجتماعی که به هر نحوی از انحاء از بودجه دولتی و عمومی استفاده می‌کنند و یا از دولت مجوز فعالیت دریافت می‌نمایند مکلفند طبق ضوابط قانونی از این نظام تبعیت کنند» (The same sourc, 2010: 22).

«تدوین نظام رصد آسیب‌های اجتماعی و معلولیت‌ها» در قالب پیشگیری از آسیب‌های اجتماعی، که در برنامه پنجم توسعه به عنوان دال شناور در قالب برنامه‌ها و مفادی آورده شده بود، در برنامه ششم توسعه تبدیل به وقته شد، بند ۴ قسمت (الف) ماده ۸۰، اشاره دارد که: «تدوین نظام جامع رصد آسیب‌های اجتماعی و معلولیت‌ها تا پایان سال اول اجرای قانون برنامه طبق قوانین مربوطه و تصویب شورای اجتماعی و اجرای آن از ابتدای سال دوم اجرای قانون برنامه» (The same sourc, 2010: 26). «مشارکت مردمی در مبارزه با آسیب‌های اجتماعی» که در برنامه پنجم توسعه بعنوان دال خالی بود، در برنامه ششم توسعه در مفصل‌بندی گفتمان اصلاحات مدنظر قرار گرفت، در ماده بند ۱ قسمت (الف) ماده ۸۰ آمده است که: «خدمات رسانی به موقع به افراد در معرض آسیب‌های اجتماعی با مشارکت سازمان‌های غیردولتی» (همان، ۱۳۹۶: ۴۹). همچنین در بند ۴ قسمت (ب) این ماده آمده است که: «بسط و توسعه نقش مردم و سازمان‌های مردم‌نهاد در حوزه‌های مشارکت‌های گروهی و تأمین مالی مبتنی بر رویکرد خیر اجتماعی و تلاش در جهت جلب مشارکت بیشتر ذی‌نفعان در تأمین منابع مورد نیاز» (The same sourc, 2010: 25). «طرح جامع توانمندسازی زنان سرپرست خانوار»، در گفتمان برنامه ششم مورد توجه قرار گرفت، در بند (ت) ماده ۸۰ آمده است که: «تهیه و اجرای کامل طرح جامع توانمندسازی زنان سرپرست خانوار طبق قوانین و مصوبات شورای اجتماعی تا پایان اجرای قانون برنامه توسط ریاست جمهوری (معاونت امور زنان) با همکاری وزارت تعاون، کار و رفاه اجتماعی و سایر نهادهای ذی‌ربط و تأیید برنامه مذکور در هیأت وزیران و تصویب در مجلس شورای اسلامی و نظارت بر اجرائی شدن آن» (The same sourc, 2010: 28). «قانون جامع خدمات رسانی به ایثارگران»، در برنامه ششم توسعه در گفتمان دولت اصلاحات قرار گرفت، در ماده ۸۷ آمده است که: «دولت موظف است اقدامات لازم برای اجرای صحیح و به موقع قانون جامع خدمات‌رسانی به ایثارگران را به عمل آورد و اعتبار کافی را در بودجه سنواتی پیش‌بینی نماید و کلیه آیین‌نامه‌های اجرائی آن را حداکثر تا شش ماهه سال اول اجرای قانون برنامه تصویب و ابلاغ نماید» (The same sourc, 2010: 51).

نتیجه‌گیری

در پژوهش حاضر، متون برنامه‌های پنجم و ششم توسعه در بخش‌های معطوف به خدمات اجتماعی بررسی شد. برنامه پنجم تحت

شرایط گفتمان اصولگرایی در سال‌های ۹۴-۱۳۹۰ تدوین گردید. «کاهش تصدی‌گری دولتی و رفاه اجتماعی فراگیر» که در برنامه چهارم توسعه یک دال شناور بود و در مفصل‌بندی گفتمان دولت اصولگرای اول جایگاهی پیدا نکرده بود و در جایگاه گفتمان‌گونگی قرار داشت، به عبارتی در برنامه چهارم، خدمات اجتماعی ادامه سیاست‌های برنامه سوم توسعه بود، اما در گفتمان اصولگرایی دوم، به دال مرکزی تبدیل شد و در مرکز مفصل‌بندی گفتمان خدمات اجتماعی دولت جای گرفت.

«بیمه فراگیر اجتماعی» که در برنامه‌های اول، دوم و سوم توسعه به علت قرار گرفتن دولت‌ها در وضعیت ساماندهی کشور و شرایط تحریمی و اقتصادی مغفول مانده بوده و یک «عنصر» به شمار می‌رفت؛ در برنامه چهارم توسعه از یک عنصر یا دال شناور به یک وقته تبدیل شد و در برنامه پنجم توسعه به تدریج معنایی برای خود تثبیت نمود و در این تثبیت معنا به انسداد رسیده و به مفصل‌بندی گفتمان اصولگرا وارد شد.

برنامه ششم تحت شرایط گفتمان اصلاح‌طلب در سال‌های ۱۴۰۰-۱۳۹۶ تدوین گردید. «حقوق شهروندی» که در برنامه پنجم توسعه و در گفتمان اصولگرایی بعنوان دال شناور بود و از ورود به مفصل‌بندی باز مانده بود، در برنامه ششم توسعه و در گفتمان اصلاح‌طلب از دال شناور خارج شد و بصورت وقته و با تثبیت معنایی به انسداد و توقف انجامید و بعنوان دال مرکزی نظامات و خدمات اجتماعی در گفتمان دولت جای گرفت. عناصر مربوط حقوق شهروندی می‌توان در این برنامه در موارد زیر جست: بیمه سلامت و اجتماعی؛ اصلاح نظام مالیاتی؛ اصلاح نظام سلامت؛ عدالت اجتماعی؛ توجه به آسیب‌های شهروندی؛ مشارکت شهروندی، تاب‌آوری اجتماعی و حمایت اجتماعی.

«سلامت همگانی» در برنامه پنجم توسعه دال شناور بود اما در گفتمان برنامه ششم به وقته و سپس با تثبیت معنایی انسداد یافت و از حالت صلیبی خارج شد و بصورت فراگیر درآمد. «تاب‌آوری اجتماعی» که در برنامه پنجم توسعه بعنوان دال خالی به شمار می‌رفت، با هژمونی گفتمان اقتصاد مقاومتی اصولگرایی و همچنین دولت اصلاح‌طلب، در برنامه ششم توسعه به وقته تبدیل شد و از حوزه گفتمان‌گونگی خارج و با تثبیت معنایی به مفصل‌بندی گفتمان اصلاح‌طلبی وارد شد.

جدول ۱- مقایسه گفتمان‌های مورد بررسی

موارد تحلیل گفتمان	گفتمان اصولگرا	گفتمان اصلاح طلب
دال مرکزی	کاهش تصدی‌گری دولتی و رفاه اجتماعی فراگیر	حقوق شهروندی
دال شناور	مشارکت شهروندی-تاب‌آوری اجتماعی-سیستم جامع آسیب‌های اجتماعی	کار شایسته
وقته	بیمه فراگیر اجتماعی	سلامت همگانی-تاب‌آوری اجتماعی-اصلاح مالیاتی حوزه سلامت-نظام جامع آسیب‌های اجتماعی

منابع

- Sachs, W. (1998). A new look at development concepts. (Farrahi, F. and Bozorgi, V.). Nashre markaz Publications. Tehran.[Persian].
- De-Vos. (2003). Discourse theory and the study of ideological (trance) formation. Analyzing social democratic revisionism. In journal of pragmatics.
- Fairclough, N. (2003). Analysing discourse. Textual analysis for social research. New York: Routledge.
- Fazeli, M. (2004). Discourse and Critical Discourse Analysis. Journal of human and social sciences, Volume 14, page of 81-107. [Persian].
- Hosseinizadeh, M. (2004). Discourse theory and political analysis. Journal of Political Science, Volume 28.
- Koosha, M. & et al. (2005). A Critical Study of News Discourse. Iran s Nuclear Issue in the British News Paper, IJAL. Vol. 8, No. 2.
- Laclau, E. & etal. (1985). Hegemony and Socialist Strategy. Towards a Radical Democratic Politics. London: Verso.

8. Laclau, E. & et al. (2002). Antonio Gramsci, critical Assesment of leading Political philosophers (2002) Voutledge.
9. Moghadami. M. (2011). Laclau and Mouffe discourse analysis theory and its critique. Journal of Socio-cultural knowledge, Volume 2, page of 91-124. [Persian].
10. Plan and Budget Organization of the Islamic Republic of Iran.(2017). Collection of Laws of the Sixth Five-Year Plan for Economic, Social and Cultural Development of the Islamic Republic of Iran (2017-2021). The Vice President for Codification, Revision and Publication of Presidential Laws and Regulations Publication.[Persian].
11. Rahimi, M. & et al. (2008). Discursive Representation of the Winner and Loser. The Case of Reports, IJAL. Vol. 11, No.1.
12. Salarkasraeei M., et al. (2009). Laclau and Mouffe the theory of discourse is an effective tool in understanding and explaining political phenomena. Journal of Politics, Volume 3, page of 336-339. [Persian].
13. Vice President for Strategic Planning and Supervision of the Islamic republic of Iran. (2010). Collection of Laws of the Sixth Five-Year Plan for Economic, Social and Cultural Development of the Islamic Republic of Iran (2010-2014). Higher Institute of Education and Research, Management and Planning Publication.[Persian].
14. Wodak, R. (2002). Aspects of Critical Discourse Analysis, Azfal. Vol. 36, P.p: 5-31.

Discourse analysis of the fifth and sixth development plans after the Islamic Revolution of Iran in the field of social welfare (From the perspective of Laclau and Mouffe discourse analysis)

Seyyede Sima Amiri¹

PhD Student in Sociology of Economics and Development, Faculty of Social Sciences, Central Tehran Branch Islamic Azad University, Tehran, Iran

Tahmures Shiri²

Associate Professor, Department of Sociology, Faculty of Social Sciences, Central Tehran Branch Islamic Azad University, Tehran, Iran (Corresponding Author)

Rezaali Mohseni³

Associate Professor, Department of Sociology, Faculty of Social Sciences, Central Tehran Branch Islamic Azad University, Tehran, Iran

Abstract: *Governments try to formulate five-year plans with a transformational and developmental approach, according to the time, the situation of the country and the discourse of their party. One of the key sectors in development programs is the social sector and its welfare services, which contribute to the growth and excellence of society. Social development is possible by improving the quality of life, ensuring human rights, paying attention to citizen participation and civic institutions, justice and social protection, as well as paying attention to the talents and abilities of the people. In this research, the social sector (services and social welfare) of the fifth and sixth development plans has been studied by discourse analysis method. The method of analysis is done through the method of Laclau and Mouffe discourse analysis. The Fifth Development Plan, which deals with the fundamentalist discourse, emphasizes the Signifier of "social justice", "reduction of state ownership and inclusive social welfare," and the Sixth Development Plan, which deals with the reformist discourse and moderation and development, emphasizes "citizenship rights." It is based on "public health", "social resilience", "tax reform in the field of health" and "comprehensive system of social harms.*

Key words: *Fifth and Sixth Development Plan, Laclau and Mouffe discourse analysis method, fundamentalist justice discourse, moderation discourse and reformist development.*

¹ Email: sima.amiri456@gmail.com

² Email: shiri.tahmures@gmail.com (Corresponding Author)

³ Email: reza.mohseni@iauctb.ac.ir